



از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا امروز، بیشتر از ۴۰ سریال برای اولین بار، از قاب تلویزیون، برای مخاطب عرضه شده است؛ اما نام تعداد انگشت شماری از این آثار، در ذهن مخاطب باقی مانده و این گزاره، در نوع خود، قابل بررسی و ارزیابی است



مجموعه تلویزیونی چشم باد

مجازی هدایت کند. مرور سریال های ماندگار تاریخ تلویزیون، نشان می دهد که مخاطب بیش از هر چیز، در ملودرام های خانوادگی و اجتماعی نیاز دارد شخصیت هایی شبیه به خود و اطرافیانش را در قاب تلویزیون مشاهده کند تا بتواند با سیر داستانی آن همراه شود. در واقع، این همانی، همان قابی است که قرار است مخاطب را به دنبال خود بکشد و با عمق بخشیدن به شخصیت داستانی و تغییراتی که در طول داستان در ابعاد مختلف وجود او صورت می پذیرد، به اصلاح عرفیات اشتباه و عادات غلط و آسیب های اجتماعی بپردازد. باورپذیری شخصیت های داستان، خیلی بیشتر از استفاده از بازیگران مشهور، لوکیشن ها و دکورهای متعدد و عظیم و بهزین و اتومبیل های گرانتقیمت، می تواند برای عموم مخاطب جامعه، اثر بخش باشد؛ بدون اینکه سبک زندگی و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی را مورد خدشه و انحراف قرار دهد. به عنوان مثال، در دوره ای که موضوع جمعیت به یکی از مسائل استراتژیک کشور بدل شده است، عموم خانواده های شهرنشین بازنمایی شده در سریال های تلویزیون یا بدون فرزند هستند یا با وجود تمام امکانات مادی و معنوی بیشتر یک یا دو فرزند ندارند. حتی در آثاری که داستان آنها در روستاها و در سال های دهه ۱۳۶۰ می گذرد، خانواده ها بیشتر از دو فرزند ندارند. این در حالی است که واقعیت های آماری پژوهش های جمعیت این دهه اثبات می کند میانگین تعداد فرزندان خانواده های شهرنشین بیش از ۴ فرزند بوده است. وقتی تولیدکنندگان سریال، برای فرار از سختی کار تولید با بازیگران کودک و نوجوان، به جای ارائه راه حل، صورت مسئله را پاک می کنند، چگونه انتظار داشته باشیم مخاطب عمومی بعد از گذر روزی پرحادثه، پای تلویزیون بنشیند؟ تلویزیونی که در دهه ۱۹۵۰ میلادی توانست رؤیای زندگی آمریکایی که از طریق آنتن های تلویزیون به خانه تک تک مردم آمریکا تزریق کند و نتیجه مطلوب خود را از این تکنولوژی قدرتمند دریافت کند.



مجموعه تلویزیونی گاندو



مجموعه تلویزیونی کیف انگلیسی



مجموعه تلویزیونی گاندو

قصه هایی قابل حدس حتی برای مخاطب نوجوان

در دوره ای که دلایل متعدد، دست وی او، دی ها را در استفاده جنون آمیز از خشونت و جاذبه های جنسی و مصرف گرایی باز گذاشته است، تولید سریال در سیما، همچنان با تقیدات بیشتر دنبال می شود؛ اما فقر شدید در نگارش فیلمنامه های خانوادگی، باعث شده که شخصیت پردازی و پایان داستانی این آثار، در همان قسمت های نخستین، حتی برای مخاطب نوجوان نیز قابل حدس باشد و این گروه اجتماعی مهم را از پای تلویزیون به سمت کنسول های بازی و فضای غیر قابل باور از سوی مخاطب تبدیل کرد.



مجموعه تلویزیونی کیف انگلیسی

توجه تماشاگرانی است که اگر به مخاطب سریال های ماهواره و شبکه نمایش خانگی تبدیل نشده اند، باز هم تماشای سریال های ماندگار دهه های قبل در شبکه های آی فیلم را به سریال های جدید سیما ترجیح می دهند. اولین دلیل کاهش کیفیتی که به کاهش مخاطب انجامیده است، این است که مدیران جوان سال های اخیر، از سر تعجیل برای پر کردن آنتن شبکه های متعدد سیما، به جای فرایند زمانبر و پرزحمت و هزینه بر تولید سریال و طی کردن مراحل ایده پردازی، فیلمنامه نویسی، پیش تولید، تولید و تدوین، به سراغ ساخت برنامه های ترکیبی و گفت و گو محور رفته اند که با دکوری ثابت، مجری های پر حرف و سخنور و موضوعی عموماً مناسبی جمع می شود و به سرعت آنتن خالی شبکه را پر می کند. این برنامه ها، شاید بتوانند با هزینه و زمان تولید کمتر، مخاطبانی را با خود همراه کنند اما هیچ گاه در ساختار رسانه ای خود، قدرت تأثیرگذاری روایت داستانی یک سریال را نخواهند داشت. در واقع، این کاهش کیفی سریال ها، بیش از اینکه به سبب کاهش بودجه سازمان بوده باشد، به دلیل ناتوانی مدیران و تیم های تولید صورت گرفته است. مدیران و تولیدکنندگانی که اصرار دارند موضوعات دینی، ملی و ارزشی را در قالب فرم برنامه های تلویزیونی خارجی بریزند و این عدم سنخیت فرم و محتوا بیش از اینکه مخاطب امروز سیما را به خود جذب کند، به سمت نسخه های اصلی و سهل الوصول خارجی هدایت می کند. در نتیجه، اینکه گسترش تعداد برنامه های ترکیبی زودبازده سیما، سازمان را از آشپزخانه خانگی که تأمین کننده غذای سالم روح اعضای خانواده بود، به خط تولید غذای فست فودی تبدیل کرده است که در بهترین حالت، بتواند بهداشت محصولات خود را نسبت به ساندویچ فروشی های زیرپله ای و کوچک حاشیه خیابان های شهر تأمین کند.

دور افتادن از سریال های پژوهش محور

«ملتی که تاریخ خود را نداند محکوم به تکرار آن است.» جمله ای که به برکت فضای مجازی در سال های اخیر، به دفعات، به چشم و گوش خیلی ها رسیده است اما در این مجال، وقتی در کنار عملکرد مدیران سیما قرار می گیرد، اهمیت تولید سریال در ژانر تاریخی را بیش از پیش بازگو می کند. به جرأت می توان ادعا کرد روایت تاریخ در قالب تولیدات نمایشی، مهمترین مأموریت سازمان صداوسیما است. آن هم در دوره ای که ده ها شبکه ماهواره ای و شبکه نمایش خانگی، برای تولید برنامه های گوناگون داستانی و غیرداستانی احساس و وظیفه کرده اند. در بررسی کلی سریال های تولید شده در سیما، سبب ژانر تاریخی، بیشترین تعداد آثار تولیدی را به خود اختصاص داده است. عوامل تولیدکننده این آثار، در نشست های خبری ادعا می کنند با کمک تیم های پژوهش توانمند، دست به نگارش فیلمنامه زده اند اما تنها اثر فعالیت این تیم پژوهشی، در متن سریال گذر داستان، در دوره های تاریخی متفاوت است که به استفاده از پوشش و لوکیشن های متفاوت با زندگی شهری کمک می کند. سریال های تاریخی سال های اخیر، از گفتمان روایت تاریخ که در آثاری چون کیف انگلیسی، در چشم باد، کلاه پهلوی و... دنبال می شد، دور افتاده اند و وقت، انرژی و ظرفیتی را که سازمان صداوسیما باید برای بازگ کردن قصه تاریخ، برای جامعه خرج کند، صرف قصه گویی های خیالی در سال های دور می کنند.

